

فصلنامه سیاست خارجی
سال سی و یکم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، صص ۱۸۴-۱۶۳



تحرک و پویایی بین‌المللی در دوره ریاست جمهوری روحانی

دکتر رؤوف رحیمی^۱ / دکتر احمد محقر^۲

^۱ استادیار علوم سیاسی دانشگاه بجنورد، rahimirauf.phd@gmail.com
^۲ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، a-mohaghar@um.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۰ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۷/۲۰

چکیده

هدف مقاله حاضر ارزیابی گام‌هایی است که دولت حسن روحانی برداشته است تا وضعیت بین‌المللی و منطقه‌ای ایران را تغییر و بهبود بخشد. از این رو، رئیس‌جمهور منتخب حسن روحانی و کابینه‌اش تأکید کرده‌اند که سیاست خارجی میانه‌رو و سازنده در سراسر دوره مسئولیت دنبال خواهند کرد. سؤال اصلی مقاله این است که عوامل مؤثر بر خروج ایران از انزوای بین‌المللی در دوره روحانی چیست؟ نتایج تحقیق حاکی از آن است که چرخه نخبگان با سرکارآمدن روحانی، رفع تحریم‌ها با حل مسئله هسته‌ای و بهبود نسبی وضعیت اقتصادی از جمله عوامل مؤثر بر خروج ایران از انزوای بین‌المللی محسوب می‌شوند. در واقع، دولت یازدهم موجب شد تصویر عدم همکاری و دشمنی ایران در نزد غرب و جهان عرب تا حدود زیادی کاهش یابد و با فاصله گرفتن از سبک گزافه‌گویی دیپلماسی، کاهش تنش، کاهش فشار بر برنامه هسته‌ای و کاهش فشار بر اقتصاد ایران از طریق لغو تحریم‌های هسته‌ای، در نهایت خروج ایران از انزوای بین‌المللی تحقق یابد.

▪ واژگان کلیدی: توافق هسته‌ای، قطعنامه‌ها، انزوای بین‌المللی، دولت یازدهم، امریکا

مقدمه

انتخاب روحانی در سال ۱۳۹۲ و توافق هسته‌ای که بعد از سه دهه بن بست اتفاق افتاد؛ با هم فرصتی برای خروج ایران از انزوای بین‌المللی فراهم کردند. تجربه روحانی به عنوان شخصی که آشنا با سابقه نظام سیاسی ایران است، رویکرد کمتر تهاجمی و درک وی از امور بین‌المللی بدین معناست که دولت روحانی تا حدود زیادی در خروج ایران از انزوای بین‌المللی مؤثر بوده است. روحانی مبارزات انتخاباتی خود را با ایجاد امید و رشد اقتصادی کشور مطرح و بسیاری از آن اهداف را با خروج ایران از انزوای بین‌المللی ایران، مرتبط نمود. با توجه به نکات مذکور، هدف این مقاله ارزیابی گام‌هایی است که حکومت روحانی برداشته است تا وضعیت بین‌المللی و منطقه‌ای ایران را تغییر و بهبود بخشد. با انتخاب روحانی انتظار می‌رفت، سیاست خارجی ایران در حوزه موضوعات کلیدی تغییرات جدیدی به خود بگیرد. چرخش نخبگان سیاسی با سرکارآمدن روحانی و همچنین فضای سیاسی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، در مکانیزم‌ها و تغییرات تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایرانیان مؤثر واقع شدند. از این رو رئیس‌جمهور منتخب و کابینه‌اش تأکید کردند که سیاست خارجی میانه‌رو و سازنده در سراسر دوره خودشان دنبال خواهند کرد. حسن روحانی برای خاتمه انزوای بین‌المللی، منطقه‌ای ایران و پیشرفت واقعی کشور به توافق هسته‌ای با آمریکا و غرب و رفع بدگمانی‌های همسایگان خلیج فارس نیاز داشت. از این رو، این مطالعه دو هدف اصلی را دنبال می‌کند: ۱- شناسایی اینکه آیا تحریم‌های تحمیل شده بر ایران آنچنان که انتظار می‌رفت در تسلیم و انزوای کامل ایران تأثیر گذاشت و ۲- توافق هسته‌ای چه نقشی در خروج ایران از انزوای بین‌المللی داشت؟ بحث اصلی مقاله حاضر این است که قطعنامه‌ها تا حدود زیادی نتوانستند اهداف مورد نظر تحریم‌کنندگان ایران را تحقق بخشند و صرفاً وقتی که آنها با تلاش‌های دیپلماتیک جمعی ترکیب شدند؛ ایران تصمیم گرفت تا گامی به سمت مذاکره اتخاذ کند. هدف نهایی قطعنامه‌های گسترده که بر ایران تحمیل شد این بود که رهبران سیاسی را مجبور کنند تا سیاست خود را تغییر دهند. برخی نویسندگان، تأثیر قطعنامه‌ها را توضیح و نشان داده‌اند که چگونه بار

مسئولیت سنگین رنج اقتصادی غیرقابل تحمل برای شهروندان، هدف تحریم‌ها بوده است تا شهروندان کشور یا کشورهای مورد نظرشان، برای رفع تحریم‌ها به رهبران خود فشار آورند و سیاست‌های آنها را از این طریق تغییر دهند (Winkler, 1999: 146). ایده مذکور در مرکز سیاست ایالات متحده امریکا قرار دارد.

بررسی نقش تحریم‌های اقتصادی و تأثیرشان بر اقتصاد ایران گام اساسی برای فهم روابط اخیر بین ایران و غرب و تلاش برای خروج ایران از انزوای بین‌المللی تلقی می‌شود. مقاله حاضر همچنین به طور انتقادی حوزه‌ای که قطعنامه‌ها اثر گذاشتند و یا تا حدودی بی‌تأثیر بودند را بررسی می‌کند. روش‌شناسی این مطالعه تجزیه و تحلیل داده‌های دسته دومی است که شامل اسناد علمی، دولتی و آماری، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و اظهارات عمومی است. با توجه به واقعیت‌های مذکور، این سؤال مطرح می‌شود که عوامل مؤثر بر خروج ایران از انزوای بین‌المللی در دوره روحانی چیست؟ به منظور پاسخ به سؤال اصلی، مقاله حاضر در دو بخش به بررسی موضوع می‌پردازد. در بخش اول نقش اجماع بین‌المللی در چارچوب قطعنامه‌ها در انزوای بین‌المللی علیه ایران مطرح و در بخش دوم مقاله نیز، برخی شاخص‌های خروج ایران از انزوای بین‌المللی در دوره روحانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- نقش اجماع بین‌المللی در چارچوب قطعنامه‌ها

گرچه سیاست قطعنامه‌های امریکا از آغاز، انزوای بین‌المللی ایران را دنبال کرده است؛ اما صرفاً در چند سال گذشته به درجه‌ای از فراگیری رسید و به طور گسترده عملاً واکنش‌هایی را در دولت ایران به وجود آورد. حداقل دو گرایش، سیر تکاملی رژیم تحریم‌ها علیه ایران را نشان داده است: نخست، گسترش اقداماتی که موجب تأثیر عمیق‌تر و گسترده‌تر بر کل بخش مالی و اقتصادی شد و دومین گرایش، تغییر از فشار یکجانبه به سمت تلاش چند جانبه بود که در سال ۲۰۰۶ با اولین دور تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل شروع شد. در دوره اوباما، امریکا بسته قطعنامه‌های سخت را برای انزوای ایران به لحاظ اقتصادی و مالی تحمیل کرد و در نوامبر ۲۰۱۱ نیز، اوباما گام مهم دیگری در

راستای انزوای سیستم بانکی ایران از طریق شناسایی ایران به عنوان قلمرو اصلی پولشویی، برداشت. مقامات ارشد حکومتی اقداماتی را با این استدلال در دستور کار قرار دادند که پوشش پولشویی، پوشش امور مالی تروریسم را ایجاد می‌کند. (Katzman, 2013:38) اوباما در ژانویه ۲۰۱۳، قانون اجازه دفاعی تصویب کرد؛ بسته قانونی بزرگی که شامل قانون ضد تکثیر و آزادی عمل ایران در سال ۲۰۱۲ بود.^۱ این اقدام اوباما، رژیم تحریم‌ها را به طور گسترده علیه ایران جامع‌تر ساخت. از این رو، در سال ۲۰۰۶ فشار مضاعف بر ایران را بعد از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران از آژانس انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل توجیه کردند. اقدامات سازمان ملل بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ تجارت مواد حساس هسته‌ای به ایران و صادرات تسلیحات به این کشور را ممنوع کرد و همچنین دارایی‌های مالی مردم و نهادهای درگیر در فعالیت‌های هسته‌ای را بلوکه کردند.^۲ قطعنامه شماره ۱۹۲۹ بسته پیشرفته‌تر و جامع‌تر قطعنامه‌های سازمان ملل محسوب می‌شود؛ زیرا به خاطر تهدید روسیه و چین به وتوی قطعنامه دیگر، آخرین قطعنامه‌ای است که بر اساس توافق جمعی از سال ۲۰۱۰ تا اکنون به آن دست یافته‌اند.^۳ این آخرین قطعنامه در کنار قطعنامه‌های قبلی علاوه بر تحریم بیشتر بخش نفت و مالی، راه را برای تحریم‌های یک جانبه توسط استرالیا، کانادا، ژاپن، نروژ و کره جنوبی باز کرد. (Downes and Maloney, 2011:21-24)

قطعنامه‌های مذکور نقش حیاتی در شناسایی بین‌المللی سیاست محدود نگاه داشتن و فشار بر ایران داشت که برای دهه‌ها توسط آمریکا به تنهایی تعقیب شده بود. همچنان که مقامات ارشد وزارت خارجه آمریکا آشکارا در سال ۲۰۱۱ اعلام کردند؛ آنها از طریق قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت به یک پایه قوی از وحدت بین‌المللی برای تحریم دست یافتند که در نوع خود، قطعنامه‌ای سخت‌تر بر حکومت ایران تحمیل کرد تا از طریق اعمال

^۱ US Department of State, "Fact Sheet: Iran Freedom and Counter-Proliferation Act of 2012," <http://www.state.gov/documents/organization/208111.pdf>

^۲ The Security Council Committee Established pursuant to Resolution 1737 (2006) was Established on December 23, 2006, to Oversee the Relevant Measures with Regard to the Islamic Republic of Iran," <http://www.un.org/sc/committees/1737/pdf/1737chair0307.pdf>.

^۳ UN Security Council Resolution 1929, S/RES/1929, June 9, 2010, [http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1929\(2010\)](http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1929(2010))

خود و اعمال هماهنگ شده با شرکای هم فکرشان، تشدید فشار بر حکومت ایران را دنبال کنند.^۱ به هر حال، این تعهدات چند جانبه که به عالی‌ترین نقطه خودش با قطعنامه ۱۹۲۹ رسیده بود، ثابت کرد که آسیب‌پذیر است و حفظ این اتحاد کار ساده‌ای نیست. قطعنامه‌های سازمان ملل همراه با ترس از تحمیل مجازات ایالات متحده امریکا، سرمایه‌گذاری خارجی را در ایران کاهش داد؛ با این وجود آنها مانع برخی کشورها از تعهد و تجارت با ایران نبودند. همچنان که رفتار چین نشان داد، هزینه پرداختی خودداری از انجام تجارت با ایران خیلی بالا بود. بنابراین، شرکت‌های خارجی ممکن بود ترجیح دهند تا خطر تحمیل مجازات‌های امریکا را برای سودی که از تجارت با ایران به دست می‌آوردند را متقبل شوند. از این رو، دشواری حفظ این اتحاد موجب شد اوباما مذاکره با ایران را بپذیرد تا هم برنامه هسته‌ای ایران را محدود کند و هم به افکار عمومی جهان نشان دهد که ایران در اثر فشار تحریم‌ها مجبور شده است به مذاکره روی آورد و از این طریق سیاست اجبار دیپلماتیک خود را در چشم جهانیان موفق جلوه دهند.

شورای اتحادیه اروپا نیز، اولین دور قطعنامه‌هایش را در سال ۲۰۰۷ تنها دو ماه بعد از تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت سازمان ملل بر ایران تحمیل کرد.^۲ تصمیمات بعدی جامع‌تر شد و فشار بیشتری بر اقتصاد و بخش مالی ایران تحمیل کرد. به طور خاص، تصمیمات شورا مانند قطعنامه‌های شماره 2012/35/CFSP و شماره 2012/635/CFSP، تحریم نفتی عام از جمله در موارد: تهیه تجهیزات و خدمات برای صنعت پتروشیمی، مسدود شدن دارایی‌های بانک مرکزی ایران، سرمایه‌گذاری‌های مختلف و تکنولوژی کشتی‌سازی علیه ایران بود. علاوه بر این، با تصمیم شورا ارتباطات مالی بین‌المللی مردم ایران و همچنین معاملات بانک‌های ایران را نیز ممنوع کردند.^۳ بررسی اجمالی قطعنامه‌های اتحادیه اروپا این معنی را به دست می‌دهد که اقدامات محدودیت‌ساز در سال ۲۰۱۲، چه

^۱ US Department of State, “ackground riefing on the Recently Announced Sanctions on Iran

^۲ Council on Foreign Relations, “The Lengthening List of Iran Sanctions,” October 14, 2013, <http://www.cfr.org/iran/lengthening-list-iran-sanctions/p20258>

^۳ European Commission, “Restrictive measures in force (Article 215 TFEU) http://eeas.europa.eu/cfsp/sanctions/docs/measures_en.pdf.

قدر سخت و جامع هستند و چگونه با اقدامات محدودیت‌ساز ایالات متحده ترکیب شده بودند. در حقیقت، با وجود کاهش اقدامات غیرمنصفانه به دنبال توافق موقت که در نوامبر ۲۰۱۳ امضا شد؛ بانک‌های غربی مشتاق تجدید روابط خود با ایران نبودند. محرومیت ایران از سیستم مالی جهانی و سوئیفت، شرکت‌های ایرانیان را مجبور کرد تا از سیستم‌های قدیمی حواله استفاده کنند و باعث شد هر گونه معامله، طولانی‌تر و گران‌تر شود. وضعیت مذکور بدان معنی بود که ایرانیان مشکلات زیادی برای دستیابی به محصولات و خدمات عمده از جمله غذا و تجهیزات پزشکی دارند. این وضعیت مالی بی‌ثبات در عوض به افزایش تقاضا برای ارز خارجی در بازار سیاه منجر شد و پول ایران ۸۰ درصد ارزش خود را در مقابل دلار آمریکا صرفاً بین مارس ۲۰۱۲ تا مارس ۲۰۱۳ از دست داد (Plaut, 2013: 2-5). تحریم‌ها بر زندگی مردم عادی نیز تأثیر گذاشت. در می ۲۰۱۳ میزان تورم ۴۵ درصد گزارش شده بود؛ در حالی که میزان متوسط بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ حدود ۱۵ درصد بوده است (Warrick and Rezaian, 2014: 3-6) از این رو در زمان تحریم‌ها برخی مقامات امریکایی ارزیابی کردند که قطعنامه‌ها تلاش ایران را برای به دست آوردن مواد کلیدی و تجهیزات مورد نیاز برای برنامه غنی‌سازی این کشور، پیچیده کرده‌اند.^۱

با این وجود، داده‌ها نشان می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایران رشد کلی و پیوسته داشته است. در سراسر سال‌های اخیر، پیشرفت‌هایی در دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای بومی و ظرفیت‌ها و مهارت‌های هسته‌ای در ایران حاصل شده است. علاوه بر این، ایران غنی‌سازی اورانیم تا ۲۰ درصد را در فوریه ۲۰۱۰، شروع کرده بود (Khajehpour, Bijan and et al, 2013: 4). بعد از سال ۲۰۰۶ که در آن سال قطعنامه‌های چندجانبه تحمیل شدند؛ فعالیت‌های مربوط به تجهیزات پزشکی در فوردو شروع شد و راکتور هسته‌ای بوشهر تکمیل گردید. بنابراین، آنچه می‌توان نتیجه گرفت این است که قطعنامه‌ها به طور مؤثر نتوانستند فعالیت غنی‌سازی در ایران را متوقف یا حتی کاهش دهند. اما در نهایت برای گشایش اقتصادی و رفع رکود و تورم در ایران، نظام به این نتیجه رسید که مذاکره را برای دستیابی به توافق

^۱ Speech by National Security Adviser Tom Donilon at the Brookings Institution, November 22, 2011

هسته‌ای بپذیرد. قطعنامه‌ها ایران را از فعالیت هسته‌ای که هدف اصلی بود؛ باز نداشتند. از این رو فعالیت هسته‌ای ایران بیشتر شد و هدف اصلی غرب، تحقق پیدا نکرد. این حقیقت که ایران با وجود فشار تحریم‌ها تسلیم نشد؛ تا حدودی نشان می‌دهد که ایران قادر بوده تأثیرات سنگین قطعنامه‌ها و مشکلات اقتصادی ناشی از آن‌ها را به خاطر برنامه هسته‌ای خود، بپذیرد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا قطعنامه‌ها بر ایران اثر زیادی نداشتند؟ به نظر کسانی مانند اسلیوان، قطعنامه‌های امریکا علیه ایران بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ فاقد جهت‌گیری استراتژیک بوده‌اند و به جز آخرین دوره حکومت کلینتون که مصادف با انتخاب خاتمی در ایران بود، تحمیل رژیم‌های سخت و گسترده فضای کمی را برای تعهد سیاسی به جا گذاشتند و بیشتر هدف تنبیهی و نه سازنده داشتند. (O'Sullivan, 2010:3-5) ادعاها و لفاظی‌های مقامات امریکا و تأکید بر تغییر نظام سیاسی ایران، هر نوع منافع بالقوه برای ایران به منظور مذاکره با امریکا به تحلیل بردند. در دو دوره بوش پسر و در دوره اول حکومت اوباما، هدف انزوای مالی و اقتصادی ایران یکی از معیارهای سیاست خارجی امریکا شده بود.

حکومت اوباما همچنین با متحدانی از قبیل اتحادیه اروپا، ژاپن، جمهوری کره، استرالیا، کانادا و دیگران کار کرد تا فشار بیشتری را بر نظام سیاسی ایران از جمله در زمینه بخش‌های مالی، بانکی، بیمه، حمل و نقل و انرژی تحمیل کند. از این رو ایران را از بخش‌های بزرگ سیستم مالی بین‌المللی کنار گذاشتند و آنها تلاش داشتند این کشور را بیشتر منزوی کنند. (IIP Digital, 2012:1-3) در مجموع، عبارت زیر تمایلات و دستاوردهای حکومت امریکا را در این زمینه خلاصه می‌کند: قطع منابع درآمد خارجی و انزوای ایران. از یک سو، این رویکرد سخت از منطق تلاش برای افزایش تأثیر تحریم‌ها و در نتیجه وادار کردن ایران به موافقت الهام گرفته بود. از سوی دیگر، اوباما استراتژی گرایش به سمت ایران را نیز شکل داد. به طور خاص او استراتژی چماق و هویج را پیش گرفت. از این رو، تعادل بین اجرای مجدد قطعنامه‌ها با مذاکره هسته‌ای و اعتماد سازی مورد توجه قرار گرفت. اولین و مهمترین گام این تعهدات، شناسایی انقلاب اسلامی بود که نه تنها نشانه تمایل به دوستی؛ بلکه همچنین نشانه شفافیت سیاست خارجی امریکا در قبال کشوری بود

که همواره در صدد تغییر نظام سیاسی آن برآمده بود. چالش کاخ سفید ایجاد سازش بین منافع متعارض در داخل کنگره بود که به طور سختگیرانه هر تعهدی با تهران را رد می‌کرد. همچنین اظهاراتی از لابی‌های بانفوذ در کشور آمریکا وجود داشت.^۱ علاوه بر این، انتخاب سیاسی آمریکا در منطقه توسط منافع وابسته به جغرافیای سیاسی متحدان اصلی آمریکا مانند اسرائیل و عربستان سعودی مشروط شده است که به احتمال ایجاد روابط حسنه آمریکا با ایران با نگرانی برخورد می‌کنند (Joshi, 2014: 10-12). گام مهم به سمت جلو که توسط دولت اوباما تعقیب شد؛ توافق بین‌المللی در مورد نیاز به فشار بر ایران بود. آنچه در دوره اوباما تغییر کرد، اتخاذ شیوه‌ای بود که در آن مذاکره با ایران امکان‌پذیر شد. با وجود این، منافع استراتژیک آمریکا در قبال ایران اساساً بدون تغییر باقی ماند. رهبر انقلاب از این مسئله آگاه بود؛ اما چون به نفع ایران بود مذاکره برای توافق را پذیرفت و آن را تا نتیجه نهایی ادامه داد و در نهایت تحریم‌های هسته‌ای نیز، لغو شدند.

از سوی دیگر، رویکرد حکومت اوباما نیز از رویکرد مصالحه جویی ایران استقبال کرد. در مجموع قطعنامه‌ها به طور گسترده بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشتند؛ اما ایران توانست تأثیر آن‌ها را تا حدودی کاهش دهد. بزرگی اقتصاد ایران و نفوذ سیاسی ایران، فشار تحریم‌های اقتصادی را تا حدودی کاهش داده بود. اگر چه بسیاری از شرکت‌ها، ایران را ترک کردند؛ اما هنوز دیگری بودند که سرمایه‌گذاری خودشان را در ایران حفظ کردند. همچنان که مصاحبه گروه بحران بین‌المللی با تجار ایرانی نشان داده است، قبل از اجرای قطعنامه‌ها انجام تجارت با ایران ارزش بالا و خطر کمی داشت؛ اما با اجرای تحریم‌ها ارزش بالا و ریسک بالا پیدا کرد. از این رو در دوره تحریم‌ها نیز، شرکت‌های زیادی بودند که می‌خواستند ریسک‌های محاسبه شده را تقبل و در ایران کار کنند.^۲ استراتژی اصلی ایران برای کاهش تأثیر تحریم‌ها شامل ایجاد شرکت‌های پیشرو و استفاده از تجارت پایاپای و مکانیزم‌های مبادله بانکی غیررسمی بود. دولت تلاش داشت ظرفیت پالایش نفت داخلی را

^۱ Obama's Iran Problem," The Economist, January 16, 2014, accessed June 24, 2014, <http://www.economist.com/news/united-states/>

^۲ International Crisis Group interview with Iranian businessman, Dubai, April 2012, in: ICG, "Spider Web," 16

افزایش و صادرات خود را متنوع کند. در این مقطع، ایران بیشتر بر محصولات هیدروکربن مانند پتروشیمی و نفت کوره یا سوخت موتور و نه نفت خام تمرکز داشت. مطابق با گزارش رویتر، صادرات نفت کوره ایران بالاتر از ۱/۱ میلیون تن در سپتامبر ۲۰۱۲ باقی ماند که حدود ۹۰۰ هزار تن از آن به منطقه خاورمیانه صادر شد (Pamuk and Emma, 2012: 1-4). ایران همچنین تلاش نمود تعادل مثبت تجاری را از طریق ذخایر مبادله خارجی، کنترل صادرات، توزیع مجدد تولید و کاهش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی مورد توجه قرار دهد. همچنین رشد درآمد از طریق مالیات بر ارزش افزوده، دیگر مالیات‌ها و خصوصی‌سازی مورد توجه مسئولین ایران قرار گرفت. برای رفع محدودیت‌های بانکی، ایران شیوه تجارت خود را از بانک‌های رسمی به شبکه‌های مالی غیر رسمی تغییر داد. این تمایل همچنین موجب توسعه بازار سیاه و افزایش معاملات غیر قانونی شد. به لحاظ تاریخی، مقامات رسمی ایران تأثیر تحریم‌ها را انکار می‌کردند. این استراتژی برای تحلیل اعتبار آمریکا و سیاست بین‌المللی و نشان دادن جهندگی اقتصاد ایران بوده است. همزمان، بحث قطعنامه‌ها به لحاظ داخلی برای مقصر دانستن غرب و تقویت هویت ملی که برنامه هسته‌ای یکی از عناصر اصلی بود، استفاده شد (Takeyh and Suzanne Maloney 2011: 129-131).

همه ناظران قطعنامه‌ها را علت اصلی تغییر سیاسی در ایران در نظر نمی‌گیرند. برای مثال به نظر ریچارد دالتون دلیل اولیه که مذاکره انجام شد، اظهارات رسمی دو طرف برای مذاکره بود. در حقیقت مذاکره‌کنندگان در ایجاد اعتماد متقابل موفق بوده‌اند (Dalton, 2013: 3-8). بنابراین، حضرت آیت الله خامنه‌ای اشاره می‌کند که امریکایی‌ها باید نشان دهند آنها نمی‌خواهند گردن کلفتی کنند و نشان دهند حرف‌ها و عمل‌شان غیرمنطقی نیست و به حقوق ایرانیان احترام می‌گذارند و همچنین نشان دهند که منطقه را وارد درگیری بیشتر نمی‌کنند و آنها نمی‌خواهند در امور داخلی مردم ایران دخالت کنند؛ آنها در این صورت خواهند دید مردم ایران اراده خوب دارند و منطقی‌اند و این تنها شیوه برای کنش متقابل با جمهوری اسلامی ایران است (Khajepour et al, 2013: 93-94). پیام اصلی مندرج در این کلمات این است که آمریکا در سه دهه گذشته، درک نکرده که ایران به سیاست‌های تحریم پایه و تهدید به مداخله نظامی، تسلیم نمی‌شود. ایران با آمریکا و غرب در صورتی

مذاکره می‌کند که رویکرد سخت‌شان را رها کنند و با ایران به عنوان طرف مذاکره‌شان برخورد کنند. این عنصر حیاتی برای فهم مذاکرات سیاسی اخیر بین ایران و غرب است. همچنان که پیشرفت‌های سیاسی اخیر نشان داد؛ تنها وقتی که قطعنامه‌ها توسط تعهدات دیپلماتیک تکمیل شدند، ایران پذیرفت مذاکره کند. این بلوغ سیاسی ایران و این حقیقت را آشکار می‌سازد که ایران مذاکره را خود انتخاب کرده است و نه اینکه مجبور به انجام مذاکره بوده است. از این رو مقام رهبری در سپتامبر ۲۰۱۳ اعلام کرده بود که طرفدار توافق دیپلماتیک با غرب بر اساس ایده «نرمش قهرمانانه» می‌باشد (Karami, 2013:1-3).

معنای اصلی این بیانات این است که ایران متعهد به تمایلاتی با استراتژی استوار برای دستیابی به یک رشته امتیازات انحصاری از غرب است. در این معنا و مفهوم، نرمش عبارت است از آمادگی برای مذاکره اما مستلزم تغییر مهم سیاسی یا امتیاز انحصاری از ناحیه ایران نیست. در این زمینه انتخاب رئیس‌جمهور حسن روحانی، مذاکره‌کننده سابق هسته‌ای که با طرف مذاکره ایران آشناست؛ تصمیم منطقی و منسجمی بود. انتخاب روحانی توسط مفسران بین‌المللی مورد استقبال قرار گرفت و گام مهمی به سمت خروج ایران از انزوای بین‌المللی و رفع نارضایتی داخلی از وضع اقتصادی ارزیابی شد. روحانی بیان کرده بود: حقوق ملت ایران خط قرمز ایران در مذاکرات هسته‌ای است و این حقوق را نادیده نمی‌گیرد.^۱ مطابق با دیدگاه حاجی پور، رضا مرعشی و تریتا پارسی مقامات نظام سیاسی ایران تلاش داشته‌اند به لحاظ سیاسی بر تأثیر منفی قطعنامه‌ها سرمایه‌گذاری کنند تا بر نگرش ایرانیان متمایل به غرب تأثیر بگذارند (Khajehpour et al, 2013:86-87). تحریم‌ها با هدف افزایش فشار بر مردم و انزوای کشور ایران انجام شد تا مردم حکومت را وادار به تغییر کنند. این هدف مورد توجه امریکا و متحدانش بود. دستورالعمل مقام رهبری در مقابل آن، اقتصاد مقاومتی برای مقابله با تحریم‌ها بود که ایشان آن را جنگ اقتصادی نامید. در چارچوب اصطلاح مذکور، حمایت بیشتر از تولید و صنعت داخلی و کاهش وابستگی

^۱ "President Rouhani: Reconciliation is our domestic, foreign policy," IRNA, April 30, 2014, accessed July 28, 2014, http://www.irna.ir/en/News/81144241/Politic/President_Rouhani__Reconciliation_is_our_domestic_foreign_policy.

اقتصاد ایران به صادرات نفت مورد تأکید قرار گرفت (Khajehpour et al, 2013:88). قطعنامه‌های چند جانبه هسته‌ای به عنوان قلعه مبارزه غرب، به دلیل همراهی متحدان امریکا با این کشور، دستاوردهایی داشت و در پذیرش لحن نرمش از سوی تشکیلات ایران که مقام رهبری آن را نرمش قهرمانانه نامید، مؤثر واقع شد. به هر حال، این رفتار اصولاً تغییر ارتباطات را منعکس می‌کند؛ در حالی که محتوای استراتژی هسته‌ای ایران و همچنین موازنه قدرت در سیاست‌های ایران، بدون تغییر باقی مانده است (Adebahr, 2014:10-12). از این رو، تصمیم انجام مذاکره از سوی ایران، به معنای تسلیم در برابر غرب نبود؛ بلکه ترجیحاً یک تغییر استراتژیک محاسبه شده بود تا ایران را از انزوای بین‌المللی خارج سازند و وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن را سامان بخشند.

۲- دیپلماسی هسته‌ای روحانی

روحانی در ابتدای ریاست جمهوری خود با سفر به سازمان ملل متحد، ابتکار عملی را برای شروع آب شدن یخ‌های روابط تیره ایران و امریکا به دست گرفت^۱. وی در این سفر ۱۵ دقیقه تلفنی با اوباما رئیس جمهور امریکا صحبت کرد. این تماس تلفنی حمایت‌ها و انتقاداتی را به دنبال داشت. صرف نظر از انتقادات، این تماس تلفنی اولین قدم بلند در مسیر درست برای آشتی ایران و امریکا بود؛ زیرا از زمان پیروزی انقلاب اسلامی چنین سطحی از ارتباط مستقیم بین دو کشور وجود نداشته است. علاوه بر این، مقام رهبری نیز سفر روحانی را به سازمان ملل تأیید کرده بود. اگر چه روحانی قادر به راضی کردن منتقدان داخلی در باره رویکرد آشتی جویانه‌اش با امریکا نشد؛ اما تا زمانی که رئیس جمهور قادر به حفظ حمایت مقام رهبری است، او قادر به پیشرفت یک رابطه آرام با غرب خواهد بود. از این رو روحانی از ابتدای حکومتش تا اکنون، اقدام متوازن انجام می‌دهد و تعادل دقیق بین اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان را مورد توجه قرار داده است. این اقدام رئیس جمهور حمایت از وی را در میان اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان افزایش داده است. موفقیت‌های روحانی

^۱ سخنرانی روحانی در شصت و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۳۹۲/۷/۳؛ پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری

مشروعیت نظام را در نزد جامعه بین‌المللی و مردم ایران، افزایش داد. روحانی تلاش دارد به وعده‌های انتخاباتی خود عمل کند تا موقعیت دولت ایران را نزد افکار عمومی داخلی و خارجی ارتقاء دهد. رسانه‌های غربی نوشتند: به نظر می‌رسد روحانی به اندازه کافی مترقی و دموکراتیک است و اظهارات وی به نظر می‌رسد خوب باشد و ممکن است تغییراتی را در سیاست داخلی و خارجی ایجاد کند. تغییر لحن رئیس‌جمهور روحانی، تغییر استثنایی نشان داد که بدون شک تأثیرات عمیقی بر منطقه خواهد داشت. هر چند عربستان و اسرائیل مخالفت خود را با مذاکره هسته‌ای ایران و غرب بیان کردند؛ اما برخلاف خواست آنها توافق انجام شد. در نتیجه، بسیاری از مخالفان ایران هم اکنون از این عنوان که حمله اسرائیل به ایران محتمل‌تر از هر دوره دیگر است سرخورده شده‌اند. همچنین بسیاری از محققان از این نتیجه‌گیری که ایران و آمریکا دشمنان همیشگی یکدیگر باقی خواهند ماند، خودداری کرده‌اند؛ زیرا به جز مبادله کلمات خشن علیه یکدیگر به صورت دوره‌ای، چیز دیگری علیه یکدیگر انجام ندهاند.^۱ این امر نشان می‌دهد که امور بین دو کشور ممکن است تغییر کند. این داستان به یک قاعده کلی جالب اشاره دارد که به بهترین شیوه توسط جورج کنان بیان شده که نه دیگر مردمان دوست همیشگی ما و نه دشمن همیشگی ما هستند.

۳- برخی از شاخص‌های تحرك بین‌المللی

یکی از شاخص‌های مهم خروج ایران از انزوای بین‌المللی توافق هسته‌ای می‌باشد. روحانی دریافته بود، حل مسئله هسته‌ای برای تقویت اقتصاد ایران و پایان دادن به انزوای بین‌المللی کشور حیاتی است. این بدان معنا نبود که روحانی و حکومتش از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای حمایت نمی‌کنند؛ بلکه آن‌ها معتقد بودند مسئله هسته‌ای مانند ابزاری برای فشار، تحریم و انزوای ایران توسط مخالفان این کشور مورد استفاده قرار گرفته بود. آنها دریافتند که می‌توانند به یک توافق عملی برسند که هم حقوق هسته‌ای ایران را حفظ کند و هم موانع تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را برطرف کند. در واقع، یک توافق موفق در نهایت

^۱ "U.S., Iran hold expert-level talks despite Tehran's harsh words against Washington" 2007-05-05, www.chinaview.com,

توانست تهدید هسته‌ای ایران را از بین ببرد. دستیابی تهران به توافق هسته‌ای، منجر به لغو قطعنامه‌های گسترده و اساسی شد. در نتیجه، مذاکرات هسته‌ای موجب تقویت بیشتر جایگاه بین‌المللی و منطقه‌ای ایران نسبت به گذشته شد. بیشتر ایرانیان پیوند بین مسئله هسته‌ای و اوضاع اقتصادی مهلک را دریافته بودند. بسیاری برنامه هسته‌ای کشورشان را به عنوان جلوه واقعی قابلیت‌های علمی و مهندسی آن دیدند. همزمان یک مذاکره موفق، اعتبار روحانی و محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران را به عنوان رهبران توانا برای هدایت ایران خارج از انزوای بین‌المللی، بهبود بخشید و حمایت داخلی را از آنها تقویت کرد. علاوه بر این، هر نوع توافق، حمایت مقام رهبری را نیز نیاز داشت. از این رو بعد از دستیابی به کاهش تحریم‌ها در کنار توافق، روحانی حتی یک نمایش نادر حمایت از مقام رهبری را دریافت کرد. ایشان یک نامه سرگشاده به روحانی نوشت و مراتب قدردانی خود را از تیم مذاکره کننده و دیگر مقامات ابراز داشت و اعلام کرد که برکات الهی و دعا و حمایت ملت ایران درباره این دستاورد به ارمغان آورده‌اند^۱ ظریف تا آنجا پیش می‌رود که نشان دهد سلاح‌های هسته‌ای محل امنیت کشور و نقش منطقه‌ای ایران می‌باشد^۲. در مجموع، موضوع هسته‌ای آزمون نهایی برای دوره ریاست جمهوری روحانی شد. از این رو در ژوئیه ۲۰۱۵ توافق هسته‌ای با شادی حامیان رئیس‌جمهور روبرو شد و به سرعت به روحانی شهرت مردی که می‌تواند جریان تاریخ را تغییر دهد، اعطا کرد.

یکی دیگر از شاخص‌های خروج ایران از انزوای بین‌المللی بازگشت ایران به بازار نفت است. ایران چهارمین ذخایر ثابت شده نفت خام جهان، تقریباً ۱۵۷ میلیارد بشکه را در اختیار دارد. این مقدار نفت برای عرضه به چین به مدت ۴۰ سال کافی می‌باشد. ایران قبلاً ۲/۸ میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌کرد. آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده بود که پایان تحریم‌ها به ایران اجازه می‌دهد تولید خود را در عرض یک ماه ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار بشکه در روز، یعنی تقریباً ۴ درصد تولید جهانی افزایش دهد^۳. هنگامی که ایران دوباره وارد

^۱ پاسخ به نامه رئیس‌جمهور درباره مذاکرات هسته‌ای، ۱۳۹۴/۴/۲۴؛ پایگاه اطلاع‌رسانی مقام رهبری

^۲ نشست ظریف با ایرانیان مقیم امارات، ۱۳۹۲/۹/۱۳

<http://mfa.gov.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=176&newsview=269799>

^۳ آژانس بین‌المللی انرژی: ایران را دست کم نگیرید»، ۱۳۹۴/۴/۲۹، سایت خبری و تحلیلی صدای ایران

اقتصاد جهانی شد، بازار مصرفی آن ۸۰ میلیون نفر بود که مقدار زیادی از جذابیت بین‌المللی را ایجاد می‌کند. ترکیه، امارات، عمان و... اولین منافع حاصل از تجارت همراه با سرمایه‌گذاری در ایران به دست خواهند آورد. همچنین شرکت‌های نفتی بین‌المللی منافع زیادی را می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری در ایران به دست آورند. ایران حدود ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در این حوزه نیاز دارد تا تولید خود را افزایش و امکانات خود را بهبود بخشد. وزیر راه و شهرسازی ایران نیز اعلام کرده است که ایران به ۴۰۰ هواپیمای تجاری تا ۱۰ سال آینده نیاز دارد تا جایگزین هواپیماهای فرسوده خود کند.^۱ این امر بالقوه نیازمند حداقل ۲۰ میلیارد دلار برای شرکت‌های هواپیمایی خارجی مثل ایرباس و بوئینگ است. چین، روسیه و فرانسه نیز احتمالاً از منافع خروج ایران از انزوای بین‌المللی برخوردار خواهند شد. از این رو همه این کشورها با خروج ایران از انزوای بین‌المللی تجارت بیشتری در ایران انجام خواهند داد.

افزایش تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی در دوره روحانی یکی دیگر از شاخص‌های خروج ایران از انزوای بین‌المللی بعد از توافق هسته‌ای محسوب می‌شود. تلاش‌های رئیس‌جمهور روحانی برای بازنویسی سیاست خارجی ایران و خروج ایران از انزوای بین‌المللی، جامع و فراگیر بوده است و شامل عادی‌سازی روابط خارجی ایران در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. روحانی متعهد شده بود روابط ایران را با کشورهای دور و نزدیک، بازسازی نماید. وی در جریان مبارزات انتخاباتی خود گفته بود، رابطه بین ایران و آمریکا مسئله دشوار و پیچیده‌ای محسوب می‌شود و زخم‌های مزمونی وجود دارد که دشوار است به آسانی التیام یابند؛ اما به هر حال در صورتی که حسن نیت و احترام متقابل باشد، این امر غیرممکن نیست. او همچنین به شرق الاوسط، روزنامه عربی زبان مستقر در لندن و مخاطبان عمدتاً عرب خود گفته بود: به نظر می‌رسد، افراط‌گرایان در هر دو طرف مصمم به حفظ حالت دشمنی و نفرت بین دو کشور شده‌اند؛ اما منطبق می‌گویند، باید به خاطر چرخش به سمت یک صفحه جدید در این رابطه بی‌ثبات و به حداقل رساندن حالت دشمنی و عدم اعتماد بین دو کشور، تغییر جهت داده شود. روحانی تلاش دارد این تعهد را

^۱ گزارش فارس از بیانات عباس آخوندی در صحن مجلس در هشتمین جلسه علنی مجلس دهم، مورخ ۱۳۹۵/۳/۲۴

عملی کند. از این رو، دو ماه بعد از آغاز دوره ریاست جمهوری خود، یک تماس تلفنی تاریخی با باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا برقرار کرد. در نتیجه، آنها اولین رئیس‌ان جمهوری ایران و آمریکا شدند که بعد از انقلاب ایران به طور مستقیم با هم صحبت کردند. در طول دو سال بعد روحانی و اوباما، بهبود نسبی روابط ایران و آمریکا را برانگیختند که منجر به حل مسئله هسته‌ای ایران و بهبود قابل توجه اعتبار بین‌المللی این کشور شد. مقامات ایران، استقبال از مقامات غربی را در ایران شروع کردند. در مارس ۲۰۱۴ کاترین اشتون رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، اولین مقام رسمی اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۸ شد که از ایران دیدن کرد. در آوریل سال بعد وزیر خارجه استرالیا جولی بیشاپ^۱ دومین مقام سیاسی غربی در طول یک دهه شد که از ایران دیدن کرد. از این رو، دشوار است که اهمیت این تغییر را بیان کرد. روحانی همچنین در تلاش برای بازسازی اعتماد در منطقه به همسایگان ایران نیز رسیده است. او به انجمن اقتصادی جهان گفته است: ما قصد داریم تجارت و همکاری با همه همسایگانمان را دوباره شروع کنیم (Schwab, 2014:5, 8, 43,144).

روحانی به سرعت دست دوستی را به سوی همسایگان ایران دراز کرد؛ گر چه رابطه سرد تاریخی ایران و عربستان دشوار است بزودی بهبود پیدا کند. ظریف وزیر امور خارجه نیز به دولت‌های خلیج فارس با هدف بهبود روابط با کشورهای همسایه سفر کرد. قبل از شروع سفر، ظریف نظر خود را در روزنامه شرق الاوسط با عنوان: «کشورهای همسایه ما اولویت ماست» به چاپ رساند. وی در این نوشته اعلام کرده است که ایران این موضوع را به رسمیت می‌شناسد که ما نمی‌توانیم منافعمان را با هزینه دیگران ارتقاء دهیم و امنیت و ثبات شرکاء ما با امنیت و ثبات ما درهم تنیده شده است. ایران با برخورداری از وسعت، جغرافیا و منابع طبیعی و انسانی و برخورداری از دین، تاریخ و فرهنگ مشترک با همسایگانش، در سه قرن اخیر به هیچ کشوری حمله نکرده است. وی همچنین بیان می‌دارد: ما دست دوستی و همبستگی اسلامی را به سوی همسایگانمان دراز می‌کنیم و به آنها اطمینان می‌دهیم که آنها می‌توانند بر روی ما به عنوان شریک قابل اعتماد، حساب باز کنند.^۲

^۱ Julie Bishop

^۲ Zarif, Mohammad Javad, 7, 9, 45, 59, 113, 142, 147mForeign Affairs article, 4-5, 143Gulf tour,

از این رو روحانی و ظریف به سرعت جذابیت را در سراسر منطقه به دست آوردند؛ از کشورهای همسایه دیدن و ابراز دوستی کردند و ایران را به عنوان دولت بزرگ منطقه معرفی نمودند. بهبود نسبی رابطه ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس، یکی دیگر از شاخص‌های خروج ایران از انزوای بین‌المللی در دوره روحانی محسوب می‌شود. درک از ایران و روابط با این کشور در میان دولت‌های خلیج فارس متغیر است. برای مثال، عمان رابطه خوبی با ایران دارد و در گذشته به عنوان میانجی بین ایران و امریکا عمل کرده است. اما غیر محتمل است عربستان سعودی به مقاصد ایران در منطقه اعتماد کند. مقداری از این بی‌اعتمادی بین دو کشور، به درک نسبی آنها از خودشان به عنوان رهبران جهان اسلام مربوط می‌شود. ایران خود را به عنوان کشور مستقل‌تر و جامعه پیشرفته‌تر از عربستان سعودی می‌بیند. گرایش به منافع کوتاه مدت ریاض و دیدگاه نسبتاً ساده‌اش از پویایی‌های منطقه نیز ویژگی بارز عربستان است. حمایت عربستان سعودی از نزاع‌های مذهبی، تهدید اخیر تکفیری‌ها را دامن زده است. ایران به آرامی درگیر منازعه سوریه شد و در زمان روحانی ایران در جنگ داخلی سوریه نقش خود را ایفا کرده است. این درگیری ایران را در مقابل رقیب دیرینه‌اش عربستان قرار داد. کشور مذکور نقش تهران را در سوریه به عنوان یک مانور جسورانه به منظور مصادره هژمونی منطقه‌ای تفسیر کرده و متعهد شده است با آن مقابله کند. دولت‌های خلیج فارس هنوز به امریکا به عنوان ضامن نهایی امنیت‌شان نگاه می‌کنند. هر اندازه حضور نظامی امریکا در منطقه وجود داشته باشد، کشورهای حاشیه خلیج فارس بر اساس آن دست به محاسبه می‌زنند و به این نتیجه می‌رسند در چنین شرایطی مجبور نخواهند بود با ایران پیوند برقرار کنند. همزمان شماری از آنها در گذشته نگرانی‌هایی درباره هر نوع توافق هسته‌ای با ایران داشتند (Akbarzadeh and Dara, 2016). این نگرانی به همان اندازه به جزئیات هر توافقی نیز مرتبط بود که آنها می‌ترسیدند بیش از حد با مدارا باشد. همچنین این ترس وجود داشت که هر توافق منطقه‌ای که واشنگتن با تهران به دست آورد؛ زیان‌هایی را برای منافع منطقه‌ای آنها در آینده به وجود خواهد آورد. باوجود این، امیر کویت برای اولین بار در ژوئن ۲۰۱۴ از تهران دیدار کرد و آیت الله خامنه‌ای را نیز ملاقات نمود. این وضعیت در نتیجه

بازگشایی روابط دیپلماتیک امارات متحده عربی با ایران در نوامبر ۲۰۱۳ با یک جلوه عمومی همراهی بین وزرای خارجه دو کشور در تهران دنبال شد. روحانی همچنین پیام‌های مثبتی درباره کاهش اختلافات بین ایران و عربستان در زمینه مسائل سیاسی منطقه، ایجاد کرده است (http://www.uaeinteract.com/docs/Abdullah_bin_Zayed).

شمخانی دبیر عالی شورای امنیت ملی نیز پیامی در مورد رویکرد دولت روحانی به امنیت منطقه‌ای، فرستاد. نه تنها شمخانی خود یک عرب است؛ بلکه او وزیر سابق دفاع ایران نیز هست که بالاترین مدال عربستان، سفارش عبدالعزیز آل سعود توسط ملک فهد در سال ۲۰۰۰ با هدف تقویت پیوندهای دوستی بین ایران و عربستان به وی اهدا شده است (Winkler, 1999: 133). به هر حال، نگرانی‌های عربستان در مورد امکان حمایت ایران از قیام حوثی‌های یمن و نگرانی‌های ایران در مورد نقشی که عربستان سعودی در کاهش قیمت نفت در گذشته بازی کرده است (Moghtader, 2015: 1-3) این حقیقت را نشان می‌دهد که هر چند از ابتدای کار روحانی تحرکاتی برای روابط گرم بین دو کشور شکل گرفته بود؛ اما تا حدودی هنوز سرد باقی مانده است. در واقع، نقاط متعدد اختلاف بین ایران و عربستان سعودی در سطوح مختلف وجود دارد؛ به طوری که دو دولت قدرتمند منطقه‌ای بر سر گسترش نفوذ خود در منطقه با یکدیگر رقابت می‌کنند.

کشور دیگر غیر عرب از دولت‌های منطقه که تغییر در سیاست خارجی ایران در دوره روحانی را دنبال می‌کند ترکیه است. از سوی دیگر، به جای انکار هولوکاست احمدی‌نژاد، روحانی لحن ملایم‌تری بکار برده است. استفاده روحانی از رسانه‌های جمعی برای تبریک روش هاشانا یا روز اول و دوم ماه عبری تیشری که عید است و نمود شروع سال یهودی برای یهودیان سراسر جهان می‌باشد و همچنین حمایت مالی از تنها بیمارستان یهودی تهران، از جمله اقدامات طراحی شده است تا خروج ایران را از رویکردهای سیاسی تهاجمی قبلی، نشان دهد (Erdbrinks, 2014: 1-2). با وجود این، ایران هنوز سیاست اصولی خود را نسبت به رژیم نامشروع صهیونیستی تغییر نداده و حمایتش را از حزب الله لبنان و گروه‌های شبه نظامی فلسطین کاهش نداده است. ترکیه به طور فزاینده روابط خوبی با ایران دارد. گر چه رابطه ایران و ترکیه خیلی عمل‌گرایانه است؛ اما روحانی اشاره داشته

است که ایران و ترکیه مصمم هستند همکاری خود را برای ایجاد ثبات در منطقه، افزایش دهند (Hafezi and Karadeniz, 2014:1-2).

نتیجه‌گیری

اهمیت خروج از انزوای بین‌المللی به حدی بوده که یکی از سه وعده مهم انتخاباتی روحانی در کنار توافق هسته‌ای و بهبود اقتصادی می‌باشد؛ تا جایی که دولت روحانی آن را شرط لازم برای بهبود وضعیت اقتصادی و دستیابی به توافق هسته‌ای در نظر گرفته بود. از این رو، روحانی در تلاش برای عادی سازی روابط ایران بوده است تا تصویر ایران نزد برخی کشورها به عنوان بازیگر غیرمنطقی، دگرگون سازد و ایران را بازیگر مسئول و با ثبات معرفی نماید. هدف تحریم‌های ایران، انزوای این کشور و همچنین تحت فشار قرار دادن اقتصاد آن بود تا مجبور به تغییر سیاست‌هایش شود. اما فشار تحمیل شده توسط قطعنامه‌ها، برانگیزنده تغییر در سیاست نبود؛ بلکه صرفاً موجب تغییر استراتژی‌های حکومت ایران شد. با بررسی و ارزیابی اسناد و یافته علمی مشخص شد که نمی‌توان تأثیر تحریم‌ها را در انزوای ایران و افزایش فشار بر بخش اقتصادی آن انکار نمود. تحریم‌ها نه تنها بی‌تأثیر نبود و به جمعیت ایرانی آسیب رساند؛ بلکه اثر معکوسی برای منافع کشورهای تحریم کننده نیز داشت. تحریم‌ها گر چه شدید بودند؛ اما پیامدهای آنها به خوبی توسط ایران مدیریت شد. قطعنامه‌ها نتوانستند ایران را به طور کامل منزوی کنند؛ زیرا با وجود تلاش آمریکا برای ایجاد جبهه مشترک علیه ایران، واشنگتن نتوانست به طور گسترده رفتار چین، روسیه و همچنین اتحادیه اروپا را در قبال ایران هدایت کند؛ زیرا این کشورها منافع اقتصادی زیادی را در ایران داشته و دارند. وابستگی متقابل اقتصادی بین‌المللی یکی از شرایطی است که افزایش قطعنامه‌ها را به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی تبدیل کرده است.

این حقیقت که دولت‌ها متکی بر تجارت و تهیه مواد خام و خدمات برای یکدیگر هستند آنها را برای هر محدودیت تجاری آسیب‌پذیر می‌سازند. در مقابل، ظهور قطب‌های مختلف سیاسی و اقتصادی در سطح جهان نیز تأثیر قطعنامه‌ها را به تحلیل برده است. زیرا همیشه گزینه‌هایی برای مراجعه به جای شرکاء تجاری حاضر وجود خواهد داشت؛ هر چند

بررسی دو جنبه همبستگی بین قطعنامه‌ها و وابستگی متقابل اقتصادی در مجال این مقاله نیست و به تحقیق دیگری نیاز دارد. در مجموع، یک درجه کافی از رنج اقتصادی و انزوای سیاسی ناشی از تحریم‌ها در میان دیگر عوامل کمک کرد تا تهران را به میز مذاکره آورند. در مقابل، تمایل به کاهش تحریم‌ها و خروج از انزوای بین‌المللی نیز دو عامل تعیین‌کننده در قانع کردن تهران برای مذاکره بوده است.

رژیم تحریم‌ها تأثیر محدودی بر استراتژی هسته‌ای ایران گذاشت و باعث توزیع مجدد قدرت از درون نشد. تأثیر تحریم‌ها عمدتاً این بود که تشکیلات ایران راهبرد آشتی جویانه‌تری نسبت به گذشته برای خروج از انزوای بین‌المللی اتخاذ نماید که مقام رهبری آن را نرمش قهرمانانه نامید. از این رو اهداف سیاسی حکومت ایران بدون تغییر باقی ماند. در مجموع، راهبرد آیت الله خامنه‌ای و روحانی مانع از آن شد تداوم تحریم‌ها آنقدر طولانی شود که در سیاست‌های کلی نظام تغییر ایجاد گردد. در حقیقت، به همین دلیل نیز هست که ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران راضی نبوده و تهدید به لغو برجام در مبارزات انتخاباتی خود کرده بود.

منابع و مأخذ

- ¹- Akbarzadeh, Shahramand Conduit, Dara (2016) "Iran in the World: President Rouhani's Foreign Policy" **Palgrave Macmillan**
- ²- Adebahr, Cornelius (2014). "Tehran Calling: Understanding a New Iranian Leadership," **Carnegie Endowment for International Peace**.
- ³- "Abdullah Bin Zayed Meets His Iranian Counterpart, Opens New Embassy Building in Tehran" (2014) **UAE Interact**, http://www.uaeinteract.com/docs/Abdullah_bin_Zayed_meets_his_Iranian_counterpart,_opens_new_Embassy_building_in_Tehran/58549.htm
- ⁴- Downes, Erica and Maloney, Suzanne (2011). "Getting China to Sanction Iran: The Chinese-Iranian Oil Connection," **Foreign Affairs**, <http://www.cfr.org/world/getting-china-sanction-iran/p24212>.
- ⁵- Dalton, Sir Richard (2013) "Iran and the US Learned the Lessons of Failure," **The Telegraph**, <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iran/10471509/Iran-and-the-US-learned-the-lessons-of-failure.html>.
- ⁶- Erdbrink, Thomas, (2014) "Iran Delivers Surprise, Money, to Jewish Hospital," **New York Times**, <http://www.nytimes.com/2014/02/07/world/middleeast/iran-delivers-surprisemoney-to-jewish-hospital.html>.
- ⁷- Hafezi, Parisa and Karadeniz, Tulay, (2014) "Iran's Rouhani in Turkey Says Tackling 'Terrorism' a Priority," **Reuters**, <http://www.reuters.com/article/2014/06/09/us-iran-turkey-rouhaniidUSKBN0EK14720140609>, accessed 30 June 2014.
- IIP Digital, (2012) "White house Fact Sheet on Additional Iran Sanctions," <http://iipdigital.usembassy.gov/st/english/texttrans/2012/07/2012073142626.html#axzz31aYadNg7>
- ⁸- Joshi, Shashank (2014). "Iran Nuclear Deal Triggers Anxiety for Israel and Gulf," **BBC**, <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-25083894>
- ⁹- Moghtader, Michelle, (2015) "Iran's Rouhani Says Countries behind Oil Price Drop Will suffer," **Reuters**, <http://www.reuters.com/article/2015/01/13/us-energy-iran-rouhaniidUSKBN0KMOPE20150113>, accessed 26 January 2015
- ¹⁰- Khajehpour et al. (2013) "The Trouble with Sanctions" <https://www.thecairoreview.com/essays/the-trouble-with-sanctions>
- ¹¹- Karami, Arash (2013) "Ayatollah Khamenei's 'heroic Flexibility'" iranpulse.al-monitor.com/index.php/2013/09/2854/khameneis-heroic-flexibility
- ¹²- Khajehpour, Bijan and et al, (2013) "Never give in and never give up. The Impact of Sanctions on Tehran's Nuclear Calculations," **National Iranian**

American Council.

Kenneth Katzman, (2013) "Iran Sanctions "**Washington, DC: Congressional Research Service.**

Moghtader, Michelle. (2015) "Iran's Rouhani Says Countries behind Oil Price Drop Will suffer," **Reuters,**

<http://www.reuters.com/article/2015/01/13/us-energy-iran-rouhani-idUSKBN0KM0PE20150113>

¹³- O'Sullivan, Meghan L, (2010) "Iran and the Great Sanctions Debate", **the Washington Quarterly.**

¹⁴- "Prince Sultan Awards Medal to Visiting Iranian Defence Minister" (2015) **Kuwait News Agency,**

[http://www.kuna.net.kw/ArticlePrintPage.aspx?id=1079560&language=en,](http://www.kuna.net.kw/ArticlePrintPage.aspx?id=1079560&language=en)

¹⁵- Plaut, Steven (2013)"The Collapse of Iran's Rial", **Gatestone Institute,** <http://www.gatestoneinstitute.org/3597/iran-rial-collapse>

Schwab, Klaus, (2014) "The Global Competitiveness Report" **World Economic Forum.**

¹⁶- Pamuk, Umeyra and Farge, Emma (2012) "Iran Sidesteps Sanctions to Export Its Fuel Oil," **Reuters,** [http://www.reuters.com/article/2012/12/20/us-iran-fuel-exports-idUSBRE8BJOC020121220.](http://www.reuters.com/article/2012/12/20/us-iran-fuel-exports-idUSBRE8BJOC020121220)

¹⁷- Takeyh, Ray and Maloney, Suzanne, (2011) "The Self-Limiting Success of Iran Sanctions," **International Affairs 87, no. 6**

[http://carnegieendowment.org/2014/01/20/tehran-calling-understanding-new-iranian-leadership/gyv1?reloadFlag=1.](http://carnegieendowment.org/2014/01/20/tehran-calling-understanding-new-iranian-leadership/gyv1?reloadFlag=1)

¹⁸- Winkler, Adam, (1999). "Just Sanctions," **Human Rights Quarterly 21, no.1.**

¹⁹- Warrick, Joby and Rezaian, Jason (2014). "Iran's Economic Crisis Deepens as Rouhani Prepares to Take Office," **The Washington Post,** <http://www.washingtonpost.com/world/national>

²⁰- Winkler, Adam "Just Sanctions"(1999) **Human Rights Quarterly, Vol. 21,**